

## طبقه‌بندی علوم از دیدگاه ملاصدرا و تأثیر شرایط اجتماعی بر آن

فاطمه جمشیدی<sup>۱</sup>، نسرین سراجی‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

در دوران صفویه، معاصر با حیات صدرالمآلهین، با روی کار آمدن فقهای درباری و تصوف بازاری، علوم حقیقی همچون فقه و فلسفه و عرفان به انزوا رفت. ملاصدرا، که با اندیشه‌های فلسفی و عرفانی پیش از خود آشنایی داشت و در مقام یک عالم دینی، در پی زدودن تشویش فکری از جامعه علمی و مقابله با این رویکرد گمراه‌کننده، به تأسیس نظام فلسفی جدیدی پرداخت تا بتواند تمام تفکرات پیشین را به‌نحوی سازگار و در خود جمع نماید. در واقع او در تلاش بود با تأسیس مکتب فلسفی خود، جایگاه علم حقیقی و راه رسیدن به آن را برای جامعه تبیین کند. از آنجا که طبقه‌بندی علوم از مسائل اولیه هر نظام فلسفی بشمار میرود و هر نظام فلسفی و مجموعه مسائل آن، متأثر از شرایط اجتماعی هستند، طبقه‌بندی ملاصدرا از علوم متأثر از دغدغه‌های اجتماعی وی بوده و در جهت پاسخگویی به نیاز جامعه خویش و هدایت آن بسمت علوم حقیقی ترسیم شده است. او در هر یک از سه دوره حیات علمی خود، دسته‌بندی خاصی از علوم ارائه داده است؛ در دوره نخست، بر اساس رویکرد مشائی، سپس بر اساس رویکرد اشراقی، و در دوره پختگی تفکرش، با

۶۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛  
jamshidi.ac@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری فلسفه تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛  
nasrineseraj47@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۸ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.3.5.5

رویگرد متعالیه. این مقاله بر آنست تا طبقه‌بندی صدرالمتألهین از علوم را در هر یک از سه دوره حیات علمی وی بررسی نماید و نشان دهد که در هر یک از ادوار چه تأثیری از دغدغه‌های جامعه پذیرفته و چگونه پاسخگوی آنها بوده است.

**کلیدواژگان:** ملاصدرا، طبقه‌بندی علوم، عرفان اسلامی، حکمت اشراقی، حکمت مشائی، حکمت متعالیه.

\* \* \*

#### مقدمه

هر فرهنگ و جامعه‌یی نظام فلسفی خاص خود را پرورش میدهد و آن فلسفه نیز تلاش میکند به ساماندهی جامعه خود بپردازد. بنابراین، فلاسفه با وجود اینکه از دانش پیشینیان خود بهره میبرند و متأثر از آنها هستند، نظام فلسفی خود را بر اساس نیاز جامعه و زمان خویش بنیان مینهند، بهمین دلیل هر مسئله‌یی که در نظام فلسفی آنها مطرح میگردد، هم برخاسته از مبانی فکری آن فیلسوف، و هم متأثر از شرایط اجتماعی آن دوره است. مسئله طبقه‌بندی علوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. ملاصدرا علاوه بر آنکه در تأسیس نظام فلسفی خود به شرایط جامعه خود توجه دارد، در بحث طبقه‌بندی علوم نیز مطابق مسائل جاری جامعه سخن میگوید، حتی در مواردی متأثر از فلاسفه پیش از خود بوده و از میراث فکری برجای مانده از گذشتگان در راستای واکاوی مسائل زمانه خویش بهره میبرد.

صدرالمتألهین در فاصله بین سالهای ۹۷۹ق تا ۱۰۵۰ق یعنی معاصر با سلسله صفویان در ایران زندگی میکرده و همدوره پنج شاه صفوی بوده است (طوسی، ۱۳۹۳: ۱۸). در همین دوران است که تصوف جایگاهی چشمگیر در جامعه و دستگاه خلافت پیدا میکند. غیر از متصوفه، در این دوره شاهد نفوذ فقه‌های درباری در دستگاه حکومت نیز هستیم که بشدت با جریان تصوف و عرفان مخالف بودند؛ چراکه عرفا در روش و همچنین الفاظ و مفاهیم و قالبهای بیانی و رفتاری، اشتراکاتی بسیار با متصوفان داشتند. در واقع مخالفان، تصوف و عرفان را امری واحد میدانستند. در پی مخالفت با عرفان، عالمانی که دارای گرایشهای عرفانی بودند، در دفاع از این جریان، صوفیان را مورد مذمت قرار دادند.

۶۶

